

شرایط مرگبار طبقه کارگر ایران

از آغاز حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی در ایران، مبارزات کارگران، زنان و دانشجویان، لحظه‌ای آرام نگرفته و لحظه‌ای سکون و سازش نداشته است. این مبارزات موتور حرکت تاریخی کشور ماست. در مرکز این مبارزات، طبقه کارگر ایستاده است. طبقه‌ای که سازنده‌ترین و در عین حال بی‌پناه‌ترین است. در بین تمام طبقات در جامعه ایران بورژوازی به ویژه بورژوازی حاکم آگاه‌ترین طبقه به منافع خود است. ساختار اجتماعی مورد لزومش را می‌شناسد و ابزار لازم برای حفظ آن را نیز تهیه می‌کند. پرولتاریای ایران ولی ساختار اجتماعی که خود باید در آن حاکم باشد را نمی‌شناسد ولی در بین طبقات و اقشار دیگر از همه آگاه‌تر، انقلابی‌تر و تشکل پذیرتر و آشتی ناپذیرتر است. این طبقه ستم‌دیده‌ترین است.

ردیف	سال	حداقل مزد یک کارگر با دو فرزند - ریال
۱	۱۴۰۱	۶۷,۲۵۷,۰۰۰
۲	۱۴۰۲	۸۵,۴۱۶,۳۹۰
۳	۱۴۰۳	۱۰۲,۹۵۹,۲۸۹

تمام امکانات و ثروت‌های جامعه حاصل کار کارگران است ولی خود این طبقه از آنچه که تولید می‌کند کمترین نصیب را دارد. سرمایه‌داری همه‌اش را غارت می‌کند. این غارت با کار ۱۰ الی ۱۲ ساعته کارگران و مزد ماهانه‌ای که کفاف ۵ روز زندگی معمولی و فقیرانه آن‌ها را نمی‌دهد، نمود می‌یابد. کارفرما حتی این مزد را هم نیمه نیمه می‌دهد و یا اصلاً آن را نمی‌پردازد و کارگران و خانواده‌شان را به مرگ تدریجی محکوم می‌کند. از جدول فوق چنین برمی‌آید که هر سال حدود ۲ میلیون به حداقل مزد کارگران اضافه کرده‌اند. آیا این واقعیت دارد؟

برای روشن شدن مسأله نگاهی به خط فقر واقعی می‌اندازیم: در اوائل سال ۱۴۰۱ خط فقر ۲۲ میلیون تومان بود. در ۲۳ اسفند ۱۴۰۱ شورای سازماندهی مبارزات کارگران پیمانی نفت، خط فقر را ۳۰ میلیون تومان ارزیابی کرد. اکنون خط فقر، بر مبنای محاسباتی که در "بیانیه مشترک تشکل‌های مستقل کارگری در مورد مبارزه برای افزایش دستمزدها" قید شده، و به صورت خواست اقتصادی آنها طرح گردیده است، چهل و پنج میلیون تومان است. بین سالهای ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲ همه چیز ۸ میلیون تومان در ماه گرانت‌تر شده است (۲۲-۳۰=۸) در صورتی که حداقل مزد ماهانه کارگران در همین مقطع زمانی یک میلیون و هشتصد و شانزده تومان اضافه گردیده است. بین سالهای ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۳ حدود ۱۰ میلیون تومان همه چیز گرانت‌تر خواهد شد ولی حداقل مزد کارگران برای سال ۱۴۰۳ (بالاترین رقم دولتی ۱۲ میلیون) بین یک میلیون و هفتصد هزار تا یک میلیون و هشتصد هزار تومان، تعیین شده است.

در واقع حداقل دستمزد کارگران نه تنها اضافه نگشته، بلکه به طور ویران‌کننده‌ای کاهش یافته است. از این نقطه نظر حداقل مزد کارگران در هر سال نسبت به سال قبل کاهش داشته است. تا آنجا که این طبقه از طرف سرمایه‌داری حاکم، به قتل عام خاموش محکوم گشته است.

کارگرانی که در کارخانه‌ها کار میکنند وقتی شب از کارخانه بیرون می‌آیند همه چیز گرانت‌تر از صبحی‌ست که وارد کارخانه شده‌اند. آنها نه تنها قادر به داشتن یک آپارتمان کوچک نیستند بلکه قادر به حفظ سرپناهی که در آن زندگی میکنند نیز نمی‌باشند.

بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران نرخ فلاکت در این کشور ۶۰٫۴ درصد است. از خرده بورژوازی نیمه مرفه به بالا نمیتواند صحبتی از فلاکت در میان باشد. ولی فلاکت متوسط عبارت است از کل فلاکت، تقسیم بر کل جمعیت ایران. در نتیجه میتوان با اطمینان گفت که بیش از ۸۰ درصد کارگران و خانواده‌هاشان در فلاکت زندگی میکنند. در فلاکتی که مزد کارگران شش بار کمتر از مرز فقر قرار دارد و آن مزد نیز پرداخت نمیشود، تنها یک راه برای ادامه زندگی میماند: مبارزه کردن علیه ریشه فقر.

مدتی‌ست که کارگران موج جدیدی از مبارزه را شروع کرده‌اند، آنها در شرایط فاشیستی حاکم، تهاجم گسترده خود علیه رژیم را با شجاعت و سازماندهی بالاتر از گذشته به پیش می‌برند:

- کارگران پیمانکاری پارس جنوبی در روز شنبه ۷ بهمن ۱۴۰۲ در چند پالایشگاه به عنوان اعتراض در محیط کارخانه تجمع کردند. خواست‌های آنها اکثراً معیشتی و شرایط بهتر محیط کار میباشد: بالا بردن سطح دستمزد، طبقه بندی مشاغل، مساعد کردن خوابگاه‌ها برای ادامه زندگی و ...

- کارگران گروه ملی فولاد: در ۸ بهمن ۱۴۰۲ اعتصاب کردند. این اعتصاب هنوز ادامه دارد. آنها خواهان: طبقه بندی مشاغل و انعکاس آن در حقوق دیماه‌اند. این اعتصاب در آن روز تبدیل به راه پیمانی شد.

- چهار تشکل کارگری بیانیه‌ای جهت ادامه مبارزه تا رسیدن به دستمزد ۴۵ میلیون تومانی در ماه را، انتشار داده‌اند. این چهار تشکل عبارتند از:

گروه اتحاد بازنشستگان،

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه،

کارگران بازنشسته خوزستان،

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری.

- کارگران کارخانه کاغذ سازی شوشتر: کارخانه به علت مشکلات مالی تعطیل گشته و ۳۵۶ کارگر کارخانه در بلا تکلیفی و بیکاری به سر می‌برند. آنها در تلاش‌اند تا به هر قیمتی کارخانه را بگشایند و سرکارشان بروند. کارگران ایران علاوه بر مشکلات معیشتی و امنیتی، مشکلات محیط کار را هم در پیش رو دارند. شرایط کار در کارخانه‌ها طوری‌ست که یا کارگران مسموم می‌شوند، یا در اثر سقوط و یا ریزش بخشی از تأسیسات بر سرشان، جان خود را از دست می‌دهند.

لذا کارگران چاره‌ای جز مبارزه علیه این نابسامانی‌ها ندارند.

کارگران ایران در شرایطی مبارزه‌شان را تشدید کرده‌اند که رژیم، شرایط امنیتی و مرگباری را با اعدام‌های روزانه‌ش در جامعه حاکم کرده است. این کارگران در آنچنان شرایط مرگ آوری به لحاظ معیشتی به سر می‌برند و تحت آنچنان ستم سیاسی‌ای قرار گرفته‌اند که برای زنده ماندن هیچ راهی جز مبارزه، باز هم مبارزه و باز هم مبارزه ندارند.

ولی اگر سرمایه‌داری به ویژه در ایران هزار درصد حقوق کارگران را بالا ببرد، آنچنان تورم مصنوعی‌ای را در جامعه حاکم خواهد کرد که کارگران با همان حقوق فقط یک نان خالی نصیب‌شان می‌گردد. لذا در حالی که مبارزه برای احقاق حقوق در جامعه فاشیست زده ایران امری اساسی و محقانه است، ولی ریشه استثمار و بی حقوقی را برنمی‌کند.

ریشه استثمار و بی حقوقی زمانی خشک می‌شود و رفاه و امنیت اجتماعی کارگران زمانی تأمین می‌گردد که خود کارگران قدرت سیاسی را در کف داشته باشند.

نظم کمونیستی

15.2.2024